

مباحث پیرامون سیاست سازماندهی

در پلنوم ۴۳ حزب کمونیست کارگری

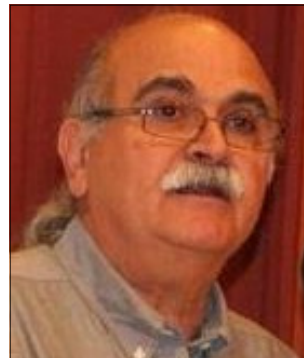
سازماندهی حزب

بر متن جنبشهای اعتراضی

حمید تقوایی

این بحث بر اساس سخنرانی در سمینار سازماندهی حزبی در جوار پلنوم ۴۳ تنظیم شده است.

موضوع بحث ما سازماندهی حزبی است که سندش قبلاً در اختیار شما قرار گرفته است. خیلی از جنبه های این بحث به خارج هم برمیگردد ولی در اینجا تمرکز بحث ما سازماندهی در داخل کشور است. این يك بحث درون حزبی و مختص به حزب ما نیست، بلکه در مورد سازماندهی تشکیلات کمونیستی در شرایط کاملاً نوین عصر حاضرست. بحث اینست که در دنیای امروز با مدیای اجتماعی امروز و در جامعه ای که در حال غلیان است



چطور باید و میتوان يك تشکیلات کمونیستی قوی و موثر و پر نفوذ سازمان داد. ما در مورد خصوصیات چنین حزبی بخصوص در

صفحه ۲

شهلا دانشفر

نکات اصلی بحث و سابقه بحث را حمید تقوایی معرفی کرد. من تلاش میکنم جنبه های عملی آنرا با مثالهایی توضیح دهم. حمید تقوایی در مورد مبانی پایه ای سازماندهی در ایران توضیح داد. اینکه ما اعتراض را سازمان میدهیم، اینکه رهبران و سرگلهای جنبش کارگری و اعتراضات را جذب میکنیم و اینکه مبارزه کارگر علنی است و بالاخره اینکه اعتراض از کتاب بیرون نمی آید، بلکه از واقعیت زندگی و نیاز جامعه برخاسته میشود، همه سرتیترهایی از بحث حمید تقوایی بود. بنابراین اگر به همین سرتیترها نگاهی بیندازیم، می بینیم که تئوری سازماندهی ما



از بحث های حزب و جامعه بیرون آمده است. تاریخی پشت سر آن قرار دارد و اساس آن به مباحث پایه ای کمونیسم کارگری برمیگردد.

صفحه ۵

سازماندهی حزبی،

شرایط جدید و ملزومات جدید

اصغر کریمی

قبل از هرچیز میخواهم از شهلا دانشفر بخاطر کار پیگیر، پرحوصله و موثری که در تمام این سالها در زمینه سازماندهی در ایران انجام داده است قدردانی کنم.

حمید تقوایی پایه های بحث و تاریخچه بحث را توضیح داد اما نگران وقت بود و عملاً خیلی از نکات مهمش را نتوانست توضیح بدهد. لازم است بعنوان يك اولویت خود این بحث، تئوری و تاریخچه اش تدوین شود و این کار حمید است. تدوین این بحث کمک موثری به سازماندهان و کادرهای این عرصه میکند.

شهلا دانشفر درمورد نحوه اجتماعی کار کردن ما در این زمینه مثلاً در شرکت واحد یا در



میان معلمان و غیره صحبت کرد. تماس با اکتیویست های این حرکات که اجتماعی کار میکنند برای ما مهم بود. مثل گذشته نیست

صفحه ۶

سیاست سازماندهی حزبی،

ابزار و سبک کار!

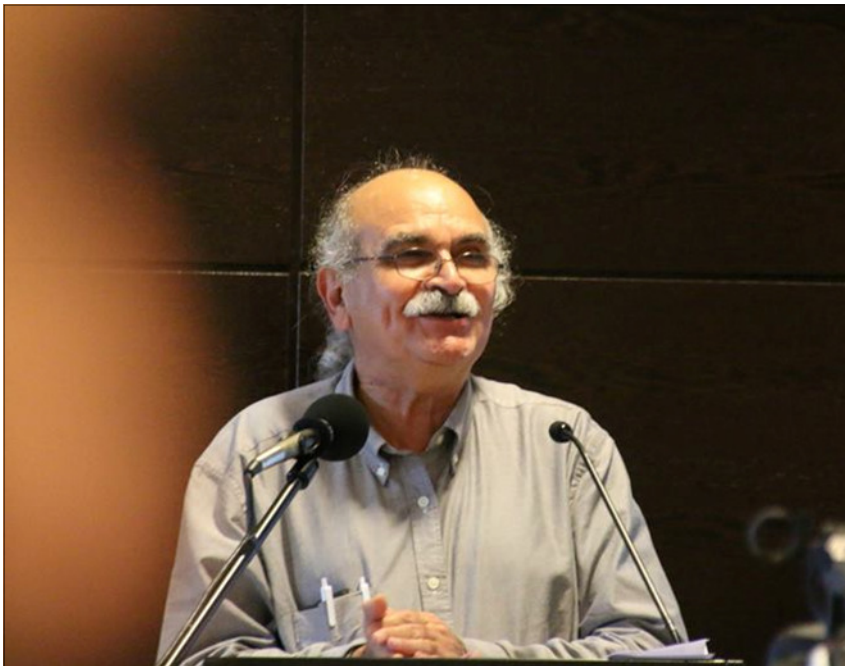
کیان آذر

هر فعالیت جمعی برای تغییر، احتیاج به برنامه ریزی، طرح درست و واقعی صورت مسئله و هدف و ایجاد و انتخاب روش های صحیح رسیدن به هدف و نیز نیاز به ایجاد رابطه و هماهنگی بین افراد و جمع های مختلف در سطح جامعه را دارد. دخالتگری سیاسی برای تغییر وضعیت موجود یکی از فعالترین بخشهای موجود در جامعه بشریست که تعداد زیادی از انسان ها برای بهبود وضعیت زندگی خود در آن حضور دارند و فعال هستند. بنابه همین خصیصه نقش ارتباط گیری بین انسانها و هماهنگ شدنشان برای يك عمل هماهنگ تا رسیدن به هدف یکی از مباحث داغ دوره حاضر



هست و تقریباً به يك دانش تبدیل شده و مورد بحث بخشهای مختلف جامعه از احزاب سیاسی و تشکلهای مختلف تا دولتها است.

صفحه ۷



سازماندهی حزب بر متن جنبشهای اعتراضی

از صفحه ۱

تئوریهایی گذشته دیگر جوابگو نیست.

مبنای سازماندهی کمونیستی تاریخچه معینی دارد. نیروهای مختلف کمونیستی - احزابی که تحت نام کمونیسم فعالیت میکرده اند - بنا به شرایط مبارزه تئوری و درک و تبیین متفاوتی از سازماندهی داشته اند. سازماندهی جنگ طولانی - مثل مورد انقلاب چین - بر یک تبیین و تعریف معینی از سازماندهی مبتنی است -

سازمان توده ای و علنی که درگیر یک جنگ طولانی است. و یا سازماندهی چریکی - نمونه کوبا - نوع دیگری از سازماندهی است که جنبش فدائی در زمان شاه متأثر از آن بود.

آن نوع کلاسیک سازماندهی کمونیستی که ما خود را وارث آن میدانیم سازماندهی بلشویکی است. بلشویکها حول نشریه ایسکرا حزب را سازمان دادند: سازمان فعالین جنبش کارگری در حوزه های محل کار و زیست اساسا حول توزیع و تبلیغ نشریه ایسکرا. این سازماندهی در محل کار و زیست مدل سازماندهی سیاسی - تشکیلاتی کارها در ایران زمان شاه بود در تمایز از سازمان چریک شهری و یا سازماندهی ارتش آزادیبخش - بر اساس مدل چینی. یک جنبه دیگر حزب لنینی سازمان مخفی انقلابیون حرفه ای است. محور و اساس حزب برای بلشویکها سازمان مخفی انقلابیون حرفه ای است. و جدائی بلشویسم و منشویسم از همین مساله شروع شد. منشویستها خواهان سازمان باز و علنی بودند که هر کس که مخفی و حرفه ای هم نباشد - مثلاً یک استاد دانشگاه - بتواند در آن عضو شود. از این نقطه نظر سازماندهی حزبی در دوره ما به تبیین منشویکی از سازماندهی نزدیک تر است.

در هر حال شاخه های مختلفی که بنام کمونیسم فعالیت میکرده اند اشکال سازمانی مختلف و تبیین ها و تئوریهای متفاوتی از سازماندهی

چارچوب بحث حزب و جامعه و حزب و قدرت سیاسی خیلی صحبت کرده ایم و ادبیات و سیاست و خط روشنی داریم. اما اینجا بحث در مورد "حزب و جامعه و" حزب و قدرت سیاسی" نیست. بحث بر سر دخالتگری حزب در جنبشها، بر سر تامین هژمونی و یا رهبری انقلاب نیست. بلکه بحث بر سر سازمانیابی و سازماندهی خود تشکیلات حزب است.

در جنبش کارگری ما موقعیت نسبتاً خوبی داریم. در جنبش علیه اعدام موقعیت خوبی داریم. در جنبش حقوق کودک و در جنبش دفاع از پناهندگان موقعیت خوبی داریم اما یک تشکیلات حزبی منطبق با این موقعیت و درخور این موقعیت نداریم. ما همیشه گفته ایم که نفوذ سیاسی حزب و مقبولیت و مطلوبیت حزب خیلی بیشتر از تشکیلات حزب است. سند سیاست سازماندهی حزبی میخواید این شکاف را پر کند. ما تا بحال خیلی در مورد نفوذ اجتماعی و هژمونی و تصویر (ایمیج) حزب و حزب قابل دسترس و "حزب و جامعه" و "حزب و قدرت سیاسی" و حزب و جنبشها و غیره حرف زده ایم. ولی درباره خود تشکیلات حزب کمتر صحبت کرده ایم. در این سند روی خود تشکیلات حزب متمرکز شده ایم.

تاریخچه تئوری سازماندهی کمونیستی

آنچه مهم است در این بحث روشن بشود تئوری سازماندهی تشکیلات حزبی است. همانطور که اشاره کردم منظور تنها تئوری سازماندهی حزب خودمان نیست بلکه کلاً تئوری سازماندهی کمونیستهای این دوره مورد نظرست. تئوری سازمانیابی و سازماندهی کمونیستی در قرن بیست و یکم. به نظر من یکی از موضوعات و پروبلماتیکهای تئوریک مهم کمونیسم دنیا مبنای سازماندهی کمونیستی در دوره حاضر است چون

نمیدهد. وقتی خوب دقت کنید می بینید این واقعیات در تئوری سازماندهی ما از همان ابتدا - از همان دوره تشکیل حزب کمونیست ایران - منظور شده است بی آنکه به شکل یک تئوری و نظریه تدوین و اعلام بشود. این تئوری که امروز از آن صحبت میکنیم مبتنی بر این واقعیات و ادامه سنتهای عملی سازماندهی کمونیسم کارگری است نه ادامه تئوریهای کلاسیک.

وقتی از اعضای سابقه دار حزب مثلاً در همان کردستان بعد از تشکیل حزب میپرسیدید سیاست سازماندهی ما چیست معمولاً پاسخ میدادند سازماندهی منفصل. این جوابی است که در بدو تشکیل حزب کمونیست ایران در کردستان می شنیدید و امروز هم خیلی از کادرهای حزب کمونیست کارگری همین تلقی را از سیاست سازماندهی دارند. البته در مورد خارج کشور بحث فرق میکند. منظور من حزب در همان کشوری است که میخوایم قدرت سیاسی را بگیریم یعنی حزب در ایران. گمان کنم نود درصد اعضا و کادرهای حزب که با بحثهای ما در مورد سازماندهی آشنائی دارند و در رابطه با تشکیلات در داخل کار میکنند به شما خواهند گفت سیاست سازماندهی ما سازماندهی منفصل است. به نظر من اینطور نیست. سازماندهی منفصل یک امر

ندارد. امروز مبنای حزب سازماندهی باز و علنی است که هر کس در موقعیت اجتماعی و با کار و شغل خودش - بی آنکه لزوماً مخفی و حرفه ای بشود - بتواند عضو آن بشود. منصور حکمت حزب را یک سازمان باز و گسترده ای میدانست که هر کس برنامه آنرا قبول داشته باشد و حق عضویت بدهد میتواند عضو آن باشد. در این تلقی از سازماندهی سازمان حزبی فراگیر و وسیع و متشکل از همه کسانی است که جواب و راه حل مساله و امر مبارزاتی معین خود را در برنامه حزب و فعالیت حزبی می بینند. اما در عین حال ستون فقرات حزبی را کادرهای حزب میسازند که امر و هدفشان خلع ید از سرمایه داری و تحقق سوسیالیسم است. ازینرو ارتقاء اعضا به کادرها یک امر کلیدی و محوری در تئوری حزبیت کمونیسم کارگری است. این تمایز بین کادر و عضو در تئوریهای کلاسیک سازماندهی کمونیستی وجود ندارد در حالی که در تئوری سازماندهی ما این نکته مهم و تعیین کننده ای است که بعداً مفصل تر توضیح خواهم داد.

سازماندهی حزبی بر مبنای واقعیات امروز

امروز وقتی از سازماندهی صحبت میکنیم باید یک واقعیات پایه ی دوران حاضر را در نظر بگیریم. دیگر آن مفاهیم و مقولات قدیمی جواب

داشته اند از نیروی مسلح توده ای تا چریک شهری و چریک روستائی تا سازمان انقلابیون حرفه ای و حوزه های محل کار و زیست و غیره.

همانطور که گفتم حزب ما متعلق به سنت بلشویکی است. اما در همین سنت هم زمانی که حزب کمونیست ایران تشکیل شد نمیتوانست بر اساس تئوری سازمان انقلابیون مخفی و حرفه ای سازماندهی کند. حزب کمونیست ایران در کردستان شکل گرفت و یک بخش حزب مسلح و علنی بود. حتی در شهرهای کردستان هم سازمان حزبی کاملاً مخفی و زیر زمینی نبود چون شرایط و موازنه قوا در شهرهای کردستان کاملاً با مثلاً تهران و یا اصفهان متفاوت بود. حوزه مخفی انقلابیون حرفه ای لاقلاً برای این شاخه حزب که در کردستان فعالیت میکرد معنی نمیداد. بنابراین در نظریه سازماندهی حزبی می باید ملزومات یک سازمان نظامی و یا کمیته هایی که در میان روستائیان کار سیاسی میکردند در نظر گرفته میشد. میخوام بگویم ما در تجربه و عملاً متوجه میشدیم که تئوریهای سازماندهی کلاسیک جوابگو نیست. چه برای حزب کمونیست ایران و چه به طریق اولی برای حزب کمونیست کارگری. و امروز که شرایط مبارزه را در نظر میگیرید متوجه میشوید که سازماندهی مخفی انقلابیون حرفه ای در محل کار و زیست با این شرایط خوانائی

سازماندهی حزب

بر متن جنبشهای اعتراضی

از صفحه ۲

فنی است. به این معنی است که ما اعضا را از بالا و از طریق تشکیلاتی به یکدیگر وصل نمیکنیم. افراد باید در زندگی اجتماعی و مبارزاتی‌شان با هم مرتبط باشند. سازماندهی منفصل - که به آن شانه‌ای هم گفته میشد - هم از نظر امنیتی و هم از لحاظ سبک کار ضروری و اصولی است. اما خیلی روشن است که این یک تکنیک و یک تمیهد امنیتی - عملی است. سیاست سازماندهی این نیست. به تسامح به سازماندهی منفصل گفته میشد سیاست سازماندهی.

اما پاسخ به سؤال فوق در سطح کمی عمیق‌تری این بود که سازماندهی در محل کار و زیست اساس سیاست سازماندهی ما است. به این معنی که ما اعضای حزب را از زندگی اجتماعی‌شان جدا نمیکنیم بلکه آنها را در محل کار و زیست‌شان سازمان میدهم. واحد حزب حوزه‌های محل کار و زیست است و بعد این حوزه‌ها به هم وصل میشوند و سازمان‌های حزب در یک شهر و یا در یک منطقه را میسازند. این نظر به بحث سازماندهی نزدیکتر است ولی این هم به شکل و فرم و چارت تشکیلاتی رجوع میکند و نه به جوهر سیاست سازماندهی کمونیستی. شما میتوانید حوزه داشته باشید، منفصل باشد یا حوزه نداشته باشید و متصل باشید ولی سیاست سازماندهی یکسانی داشته باشید. خب به یک معنی چریکها هم منفصل بودند. این هنوز چیزی را نشان نمیدهد. این اشکال و این فرمهای سازمانی و تمهیدات فنی - امنیتی - سبک کاری هنوز نشان نمیدهد سیاست سازماندهی ما کمونیستی است و یا غیر کمونیستی. بنابراین هیچیک از اینها نمیتواند مبنی و مضمون سیاست سازماندهی ما باشد. با این ترتیب باز بر میگردیم به این سؤال که تئوری سازماندهی ما چیست؟

اگر خوب دقت کنید ردپای تئوری سازماندهی را در ادبیات و مباحث حزبی میتوانید پیدا کنید. یک اصل مهم کمونیسم کارگری و نه فقط کمونیسم کارگری بلکه مارکسیسم انقلابی و حزب کمونیست ایران این بود که کارگر در حال مبارزه است. حزب لازم نیست استارت مبارزه را بزند. طبقه کارگر برای بقا ناگزیرست مبارزه کند همانطور که ناگزیرست غذا بخورد. مبارزه طبقه کارگر را باید پیش فرض گرفت. کمونیسم کارگری این را تعمیق کرد و تعمیم داد به اینکه حتی باید جنبش کمونیسم کارگری را پیش فرض بگیرید. گفت کمونیسم کارگری داده شده است و با مارکس شروع نشده. با مانیفست شروع نشده. مانیفست و مارکس فقط بیانگر و نمایندند و تئوریزه کننده یک حرکت هستند. این واقعیت قبل از هر چیز ما را به این نتیجه میرساند که افراد را باید بعنوان محمل و تجسم انسانی مبارزه سازمان داد.

ما مولکولهای یک ماده جوشان را سازمان میدهم و نه اتمهای یک جسم صلب و بی حرکت را. ما حرکت و افراد محملهای حرکت را سازمان میدهم. بخصوص در شرایط امروز ایران با اعتراضات و مبارزات گسترده‌ای که در جنبش کارگری و در کل جامعه در جریان است اصلاً نمیشود جور دیگری به مساله فکر کرد.

را دور هم جمع میکند. بحث آن دوره ما این بود که کارگران و بویژه اکتیویستهای جنبش کارگری در محافل کارگری متشکلند و این یک خصوصیت عینی جنبش کارگری است. نفس زندگی و ضرورت مبارزه کارگران را در این محافل متشکل کرده است و نه هیچ چارت و نقشه عمل سازماندهی احزاب. حلقه رابطه ما با طبقه کارگر فعالین و رهبران عملی جنبش کارگری هستند. ما از طریق این اکتیویستها با توده طبقه کارگر مرتبط میشویم. جذب یک فعال و رهبر جنبش کارگری به حزب به معنی جاری کردن سیاستهای حزبی در میان توده کارگر در یک کارخانه و یا یک بخش و یا شاخه تولیدی در دایره فعالیت آن فعال کارگری است. و طبیعی هم هست که در قدم اول فعالین به حزب جذب میشوند چون سیاسی تر و متحرک ترند و توجه بیشتری به احزاب دارند. توده طبقه کارگر از رهبران عملی خود پیروی میکند و حزب اساساً ظرف سیاسی و مبارزاتی این فعالین است. این اصل جذب پیشروان جنبش کارگری در بلشویسم و بحثهای لنین هم هست که همانطور که اشاره کردم منصور حکمت آنرا تحت عنوان آژیتاتورها و رهبران عملی مطرح میکند. او توضیح میدهد که این فعالین چه خصوصیتی دارند و حزب بطور باید این قشر را جذب کند تا بتواند کل طبقه را با خود داشته باشد.

واقعیت مهم دیگری که باید مد نظر قرار بدیم اینست که مبارزه طبقه کارگر علنی است و فعالین و رهبران عملی جنبش کارگری علنی هستند. این یک رکن بحثی بود که تحت عنوان تعین بخشیدن به جنبش کارگری مطرح کرده ایم. اکتیویست طبقه کارگر نمیتواند زیر زمینی و یا عضو تشکیلات حرفه ای مخفی باشد. باید روزی هشت ساعت کار کند معاش را تامین کند و در عین حال آژیت کند و سازمان بدهد و حرکت ایجاد کند و اعتصاب سازمان بدهد. و همه میشناسندش، کارفرما و دولت و همکارانش میشناسندش. در بحثهای سبک کار منصور حکمت این اصل فرموله شد که مبارزه طبقاتی امری علنی

است. ممکن است موقعیت حزبی یک فعال مخفی باشد و یا اسم مستعار داشته باشد ولی در جامعه و در مبارزه علنی و شناخته شده است. هر اندازه هم که روابط و موقعیت تشکیلاتی افراد مخفی باشد مبارزه شان امری علنی است. نفس مبارزه را همه می بینند و همینطور فعال کمونیستی را که در صف مقدم آنست و بالای چهارپایه میروند و آژیتاسیون میکنند و سازمان میدهند.

بنابراین اصول سازماندهی کمونیستی را میتوان چنین بیان کرد (اینجا تمرکز بحث بر طبقه کارگر است. بعد میتوان بر همین مبنای سیاست سازماندهی را در سطح عمومی تر به کل جامعه تعمیم داد): اصل اول اینست که طبقه کارگر متحرک و در حال مبارزه است، معترض است و حزب باید اعتراضات و مبارزات کارگری را مبنای سازماندهی حزبی قرار بدهد، یعنی از طریق جاری کردن سیاستهای حزب در این اعتراضات و تعمیق و رادیکالیزه کردن و متحد و متشکل و گسترده تر کردن این اعتراضات به سازمان حزبی شکل بدهد. اصل دوم اینست که این اعتراضات یک قشر آژیتاتور و فعال متشکل در محافل - و امروز باید گفت بعضاً در نهادهای علنی کارگری - ایجاد کرده است که حلقه رابط حزب با طبقه است. و اصل سوم اینست که مبارزه فعالین کمونیست امری علنی است.

اینها اصول سیاست اصل سازماندهی ما است. چپ سنتی اینطور فکر نمیکند. میتوانند سازمانش منفصل و یا متصل باشد و حوزه‌ها و یا هسته‌ها مبنای آن باشد یا نباشد ولی مبنای کار آن یک طبقه کارگر معترض و متحرک، جنبشهای اجتماعی در عرصه‌های مختلف، و سازماندهی افراد بعنوان محملهای انسانی اعتراض نیست. نقطه عزیمت چپ سنتی ابتدا آگاه کردن فرد (تبلیغ - ترویج) و سپس سازماندهی آنها در یک تشکیلات مخفی است. اساساً پراتیک اجتماعی نه در جنبش کارگری و نه در جنبشهای اعتراضی در تفکر چپ سنتی جایگاه چندانی ندارد.

در سند سیاست سازماندهی حزبی ما سعی کرده ایم که با حرکت از اصولی که در بالا گفته شد سیاست سازماندهی کمونیستی بر متن شرایط مبارزه طبقاتی در قرن بیست و یکم را تبیین و تدوین کنیم. بخاطر داشته باشید بحث اصالت پراتیک و اینکه ما بر اساس حرکت سازمان میدهم دو سه سال پیش مطرح شد. از جمله این نکته مطرح شد که تبلیغ - ترویج - سازماندهی در واقعیت برعکس است یعنی باید از سازماندهی شروع کرد و بعد به آگاهی رسید. ما یک عنصر متحرک و فعال در مبارزه را سازمان میدهم و بعد او را آگاه و کمونیست میکنیم.

یک بحث همیشگی ما که مکمل این نظریه سازماندهی - آگاهی است اینست که اعتراض از کتاب در نمی آید. ما بخاطر این اعتراض نمیکنیم که مارکسیست هستیم بلکه بخاطر اینکه معترض بودیم مارکسیست شده ایم. واقعیت از این سراسر است. شما بر مبنای تجربه و مشاهداتتان به دنیای موجود معترض هستید و بعد به آن تئوری و نظریه ای روی می آورید که میتواند رهائی را متحقق کند و مارکسیست میشوید. چه در جنبش طبقه کارگر و چه در هر جنبش اعتراضی دیگری. بهمین خاطر تبلیغ - ترویج - سازماندهی را باید بر عکس چید. امروز وقتی جامعه ایران را نگاه میکنید این اصل اظهر من الشمس است. از جنبش کارگری تا جنبش زنان و جوانان و جنبش علیه اعدام و تا اعتراض به آلودگی محیط زیست و غیره و غیره جامعه دارد می جوشد و این نقطه شروع سازماندهی کمونیستی در یک مقیاس گسترده اجتماعی است. در انقلابات منطقه هم همین را مشاهده میکنید.

سازماندهی در دل پراتیک اجتماعی

تا اینجا من فقط چند نکته اساسی را که مبنای سند سیاست سازماندهی است توضیح دادم. اینجا لازمست بر جایگاه پراتیک اجتماعی که در اولین بند سند مورد تاکید قرار گرفته کمی تامل کنیم.

سازماندهی حزب

بر متن جنبشهای اعتراضی

از صفحه ۳

بند اول اینست که ما بر متن دخالتهای و شرکت فعال حزب در پراتیک اجتماعی تشکیلات حزب را سازمان میدهم. پراتیک اجتماعی به این معناست که جامعه درگیر مبارزات و اعتراضاتی است که نه ثمره فعالیت احزاب است و نه به اصطلاح "خود جوش" و "خودبخودی" است بلکه اعتراضاتی است که اجتماعا، و اساسا با اتکا به مدیای اجتماعی، بوسیله خود فعالین و اکتیویستهای که درباره شان صحبت کردیم سازمان داده میشود. انقلابات منطقه اساسا حاصل این نوع اعتراضات اجتماعی بود و در شرایط ایران امروز هم نمونه های زیادی از این نوع اعتراضات را میبینیم. ممکن است احزاب انقلابی در زمینه سازی و مساعد کردن شرایط برای سر برآوردن این مبارزات نقش داشته باشند ولی خود این اعتراضات بوسیله احزاب سازمان نیافته اند.

در دل این اعتراضات شبکه های اجتماعی از فعالین شکل میگیرند که لزوما محلی نیستند بلکه دامنه فعالیت فرامحلی و حتی در مواردی فراشهری و فراکشوری دارند. این را واقعیت بما آموخته است. فعالین کارگری از سنجند تا کرمانشاه تا همدان تا تهران و تا رشت با هم مرتبطند. نهادهای کارگری متشکل از فعالین، همانها که برای اول ماه مه اطلاعیه مشترک دادند، اینها نهادهای محلی نیستند، حتی شهری نیستند، سراسری اند.

سند سیاست سازماندهی تاکید میکند که ما بر متن این اعتراضات اجتماعی و با دخالتهای در آنها حزب را سازمان میدهم. هنوز حوزه محیط کار و حوزه محیط زیست سلولهای سازمان حزبی اند که بر متن شبکه های اجتماعی فعالین شکل گرفته اند.

ما امروز از اینکه طبقه کارگر در حال مبارزه است باید فراتر برویم. نه تنها طبقه کارگر مدام در حال اعتراض و مبارزه است بلکه روابط

وسعی در بین فعالین وجود دارد و نه تنها محافل بلکه شبکه های فعالین کارگری شکل گرفته است که باید نقطه شروع سازماندهی حزبی باشد.

جنبش کارگری مثل مایعی است که در حال تبلور هست و اولین مولکولها بسته شده و شکل گرفته. اگر شما شیمیست خوبی باشید از آنچه طبیعت در اختیارتان گذاشته شروع میکنید و نمی روید از اول بخار را مایع کنید و مایع را جامد کنید که بعد جسم صلبتان را بسازید. مایه اولیه سازمان حزبی را خود جنبش کارگری فراهم کرده است و سازمان حزبی باید بر این مبنی شکل بگیرد.

این مساله سازماندهی شبکه های حزبی در جنبش کارگری قابل تعمیم به کل جامعه است. در جنبشها و کمیتههای مختلف و مبارزات مختلف.

این نکته را باید اینجا تاکید کرد که سازماندهی تشکیلات حزب یک بحث فنی و تکنیکی نیست. مثلا مدیای اجتماعی در سیاست سازماندهی ما جایگاه مهمی دارد ولی اینطور نیست که بکار گرفتن مدیای اجتماعی برای سازماندهی تشکیلات حزبی کافی است. مدیای اجتماعی را بیشتر جنبشها به کار گرفته اند. خیلی از فعالین چپ و رادیکال از مدیای اجتماعی استفاده کردند برای سازماندهی جنبشهایی که بعضا هم پیروشدن ولی تکلیف بدبختی مردم را روشن نکردند. مثل نمونه مصر و تونس و جنبش ترمز و غیره. بویژه جنبش ترمز یک نمونه خصلت نما است. جنبشی بود که با یک رفتارندوم اینترنتی میلیونی اخوان المسلمین را ساقط کرد. ولی از پشت دست ارتشی که سازمان و امکاناتش را داشت زد و قدرت را گرفت. آن را اعدام کرد و این را کنار گذاشت. من قبلا هم گفته ام ما به وائل غنیم بعلاوه "تفاوتهای ما" احتیاج داریم. به فعالین جنبش ترمز بعلاوه برنامه یک دنیای بهتر احتیاج داریم. اگر این را بتوانیم بسازیم آینده آن جامعه را ساخته ایم و گر نه فوئش جنبشهای مختلفی با رهبری و

هژمونی حزبی دارید که میتوانند به هر نتیجه ای برسند ولی قدرت سیاسی همچنان در دست طبقه سرمایه دار باقی بماند. سازمانندان تشکیلات حزب در دل جنبشهای اعتراضی امری سیاسی است که اساسا به خط و استراتژی دخالتهای کمیونستی در این جنبشها مربوط میشود.

از جنبشهای اعتراضی تا جنبش کمونیسم کارگری

در رابطه با سازماندهی فعالین جنبشهای اعتراضی - شامل جنبش مطالباتی کارگران - نکته مهمی را باید مورد تاکید قرار داد.

فعال یک حرکت اعتراضی که به حزب جلب میشود فایده و خاصیت حزب را برای فعالیت خودش دیده است. فرض کنید کسی فعال جنبش آزادی زن و یا جنبش علیه اعدام و یا جنبش آزادی زندانیان سیاسی است. جنبش به حزب جلب میشود چون حزب در همه این عرصه ها فعال است. و به این دلیل عضو حزب میشود. این فاز اول است. این عضو هنوز کمیونست نیست. اکتیویست جنبش معینی است که خاصیت حزب را در آن جنبش معین دیده و به حزب پیوسته است. این هنوز سازماندهی کمیونستی نیست. فعال یک جنبش اجتماعی که به حزب پیوسته از نظر حقوقی و چارت تشکیلاتی عضو ما است. ولی وقتی به یک مبارز کمیونست تبدیل میشود که این رابطه حزب و جنبش معکوس بشود. یعنی بخاطر امر حزبی در آن جنبش فعال بشود. این فاز دوم در کار سازماندهی ما است. اجازه بدهید برای روشن تر شدن موضوع چند مثال بزنم.

اگر کسی عضو نهاد کودکان مقدمند بشود و عاشق پلاتنفرم آن باشد و خیلی هم خوب کار کند ولی فقط همین را ببیند فردا که فرد یا سازمان دیگری در زمینه حقوق کودک فعال تر از ما باشد این رفیق ما با او خواهد رفت. یا اگر یک فعال کمیته علیه اعدام ببیند که مثلا سازمان دیده بان حقوق بشر تعداد بیشتری از اعدامیهها را نجات میدهد به آن سازمان نقل مکان خواهد کرد. چرا؟ چون امرش همان جنبش معین است.

امر ما رهائی کل جامعه از سر سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم است. ما قبل از هر چیز فعال جنبش کمیونستی هستیم. فعالین کمیونستی که از همه جنبشهای اعتراضی حمایت میکنیم و فعالانه در آنها دخالت میکنیم. ما اکتیویست علیه اسلام، علیه ستمکشی زن، علیه اعدام و فعال جنبش آزادی زن، جنبش آزادی زندانی سیاسی، جنبش علیه آلودگی محیط زیست، و غیره را به حزبمان فرا میخوانیم و جذب میکنیم اما اگر در همین سطح او را نگه نداریم و وظایف مختلف حزبی به او بسپاریم بزودی حزب را ترک میکند. اگر به من نوعی که از جنبش علیه اعدام به حزب جذب شده ام کاری خارج از این حیطه بسپاریم بعد از مدتی از انجاش سر باز میزنم چون ربطش را به امر جنبش علیه اعدام نمی بینیم. سبک کار ما اینست که اکتیویستها را سازمان میدهم ولی جنبه منفی این سیاست اینست که او از سر ارزش استفاده و مطلوبیت حزب برای جنبش خودش به صفوف ما پیوسته است. میخواهد از کانال جدید و صفحات و سایتهای حزب و نشریات و تریبونهای حزب در خدمت جنبش خودش استفاده کند. اینها به حزب خوش آمدند. شرکت فعال در جنبشهای اعتراضی و کمک به فعالین این جنبشها حتی اگر عضو حزب ما نباشند یک امر و وظیفه همیشگی ماست. این حزب علیه اعدام و ضد مذهب و طرفدار برابری زن و آزادی زندانی سیاسی و حقوق کودک و حقوق پناهنده و علیه کلیه مصائب جامعه سرمایه داری است ولی اگر عضوی در این چارچوب بماند در چارت سازمانی کادر نیست و در جامعه هم فعال جنبش کمیونستی نیست. جای فعالین همه این جنبشها در حزب است ولی شرط پیشروی و پیروزی همین جنبشها نیز جاری شدن سیاستهای رادیکال و راه حلهای ریشه ای کمیونستی در این جنبشها است.

کمیونست کسی است که امرش سوسیالیسم است ولی در جنبش کودکان و یا علیه اعدام غیره فعال شده است و ممکن است تا آخر عمرش هم در آن جنبش فعالیت کند. در سند سازماندهی هم تصریح کرده ایم که اکتیویستها را از

جنبششان نمی کنیم. ولی یک نقطه عطف مهم کار سازماندهی ما اینست که عضورا به کادر و فعال یک جنبش اعتراضی را به فعال جنبش کمیونستی ارتقا میدهم. این نقطه عطف به معنی تغییر درک و بینش و تلقی عضو حزب از مبارزه است. اعضای حزب از جنبشهای مختلفی بما می پیوندند ولی باید به سطح فعالین کمیونست در آن جنبشها ارتقا پیدا کنند. باید فعال حزب در آن جنبشها باشند و نه طلبکار جنبش خودشان از حزب. از نظر حقوقی عضو حزب کسی است که برنامه را قبول دارد و حق عضویت می پردازد ولی بطور واقعی بحث بر سر جنبشها است. جنبش یک مقوله پایه ای است و ما حزب یک جنبش معین هستیم. جنبش لغو کار مزدی و خلع ید سیاسی و اقتصادی از طبقه سرمایه دار. ارتقای فعالینی که از جنبشهای دیگر بما جذب میشوند به فعالین جنبش کمیونستی یک نقطه عطف تعیین کننده در امر سازماندهی حزبی و یکی از مهمترین وظایف هر کادر سازماندهی حزب است.

صحتهم را این جا پایان میرسانم چون وقتم پایان رسیده است. در این بحث من تنها به پایه ای ترین نکات نظریه سازماندهی تشکیلات حزبی پرداختم. در سند سیاست سازماندهی نتایج کنکرت و مشخص این بحث توضیح داده شده است که اینجا دیگر فرصت پرداختن به آنرا ندارم. فقط لازمست اشاره کنم که ما در این سند خواسته ایم سیاست سازماندهی را به یک سری اقدامات مشخص ترجمه کنیم به نحوی که هر کادر سازماندهی مثل یک لیست چه باید کرد و باصطلاح چک لیست فعالیت خود بتواند به آن رجوع کند. همانطور که رفقای مسئول تلویزیون میتوانند بگویند برای راه اندازی استودیو تلویزیون مشخصا چه باید کرد. کادر سازماندهی ما هم باید چک لیست مشخصی از اقدامات خود داشته باشد. امیدوارم در ادامه این سمینار در سطوح مشخص تر و عملی تر هم بحث روشن بشود و به نتایج خوبی برسیم. *

سازماندهی حزبی بر بستر یک پراتیک اجتماعی

از صفحه ۱



اجتماعی دیگر برود و جذب گرایشات دیگر شود، اگر او را با خود هم افق نکنیم و استراتژی روشن کمونیم را در مقابلش قرار ندهیم. تا آنجا که به پلاتفرم کمیته سازمانده برمیگردد بر اساس این جهت گیری بود که ما موجودی تشکیلات حزب را جلوی خود گذاشتیم و معضلات و کمبودها را مورد بحث و بررسی قرار دادیم. و من بعنوان کسی که سالها در این عرصه کار کرده ام، سئوالات واقعی ای در مقابلم قرار گرفته بود. اولین کار این بود که

ببینیم این تشکیلات موجودی که حزب دارد، در چه وضعیتی قرار دارد. و اولین مشاهده این بود که ما کادرهای توانایی در داخل ایران داریم، در خیلی جاها کادرهای ما سرگلهای جنبش های اعتراضی موجود در جامعه هستند و نقش کلیدی در این اعتراضات دارند. بطور مثال من اگر از سازماندهی اعتراض و از شبکه های اجتماعی اعتراضات در جامعه شروع کنم، شما شبکه های اجتماعی مبارزه در جنبش کارگری را می بینید. در اعتراض علیه تبعیض علیه زن و اعتراضاتی چون اعتراض به اسید پاشی به زنان و جنبش حجاب برگیران و کارزارهایی چون حق زنان برای ورود به استادیوهای ورزشی و غیره و غیره را می بینید، شبکه های اعتراضی در دفاع از حقوق کودک را می بینید. اعتراضات گسترده و هر روز کارگری می بینید و غیره. به این معنی که یک جنبش کارگری فعال که یک عرصه دائمی مبارزه علیه جمهوری اسلامی است و یک جامعه پر از اعتراض را مشاهده میکنید. بسیاری از اوقات این سوال مقابل ما قرار میگیرد که حزب کجای این تحولات قرار دارد و چه نقشی داشته است.

یکی از کارهای مهم حزب که نشانگر نقش ما در این جنبش هاست، گفتمان دادن به آنها و کسب هژمونی سیاسی در آنهاست. و این اهمیت زیادی برای جذب رهبران عملی این جنبش ها دارد. در این راستا من مثال هایی میزنم. بطور مثال به اعتراضات همین دوره

در ادامه این خط فکری است که بحث ها جلوتر آمده و از دل آن تئوری سازماندهی کمونیم کارگری بیرون آمده است. بطور مثال بحث تعیین بخشی چپ، مباحث ما در عرصه سازماندهی حزب و جامعه را جلو برد. و بحث های امروز گامی دیگر به جلو و متعین تر و روشن تر است. به این اعتبار این مباحث درجه مهمی برای پاسخ دادن به معضلاتی است که در امر سازماندهی با آن روبرو بوده ایم و همواره یک موضوع بحث ماه بوده است.

وقتی ما از سازماندهی صحبت میکنیم، بحث بر سر سازماندهی اعتراضات موجود در جامعه و نقش ما کمونیست ها، و نقش ما بعنوان حزب کمونیست کارگری است. یعنی بحث اساسا بر سر سازماندهی حزب در بستر یک پراتیک اجتماعی و شکل دادن به شبکه های حزبی در متن شبکه های اجتماعی مبارزاتی موجود است. بنابراین کار ما دخالت در پراتیک اجتماعی و مبارزات مردم و گفتمان دادن به این مبارزات است. گفتمان دادن به جنبش های اجتماعی موجود و کسب هژمونی سیاسی در راس این جنبش هاست. در بستر چنین فعالیت دخالتگر و فعالی است که رهبران عملی و اکتیویست جنبش های اعتراضی جامعه به این حزب اعتماد میکنند و توجه شان به ما جلب میشود. و در دل این فعالیت است که شبکه های حزبی در دل شبکه های اجتماعی شکل میگیرد. و حزب یک بنه قوی کادری پیدا میکند.

به عبارت روشنتر نتیجه تمام این فعالیت ها و سازماندهی اعتراض در جامعه، باید شکل یابی شبکه های حزبی باشد. نتیجه همه اینها باید جذب هر چه بیشتر نیروهای رادیکال و معترض به حزب و هم افق کردن آن ها با خودمان و کمونیست کردنشان باشد. بدون این کار، روشن است کسی که به طور مثال از سر اعتراض به تبعیض علیه زن، یا اعتراض به اعدام و غیره سراغ ما می آید همواره میتواند با هر نیروی

مبارزاتشان دادند، تاثیر بگذاریم. همینطور در مبارزات کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان و بیانیه آنها با خواستهایی چون تحصیل رایگان برای همه، درمان رایگان برای همه و تشکیل هر هفته مجمع عمومی به عنوان محلی برای تصمیم گیری و متشکل ماندن، میتوانیم تاثیر کارمان را ببینیم و بالاخره بیانیه ای که معلمان بر سر تحصیل رایگان دادند و اعتراض به دستمزدهای زیر خط فقر با شعار خط فقر سه میلیون، حقوق ما یک میلیون نمونه دیگری از این دست است. میخواهم بگویم که کار حزب دخالت فعال در پراتیک اجتماعی و از این طریق جذب رهبران رادیکال و چپ کارگری و رهبران مبارزاتی مردم است. از این طریق است که میتوان بر جنبش های اجتماعی موجود هژمونی سیاسی پیدا کرد. به عبارتی اجتماعا حزب را به درون جامعه برد و با جذب فعالین رادیکال در این مبارزات شبکه های حزبی را ایجاد کرد. این مسیری است که ما در آن قرار داریم. به درجه ای در آن به جلو آمده ایم، و اگر چه به هیچ وجه کافی نیست، اما مسیر درست را به ما نشان میدهد. طبعا مدیای اجتماعی در کنار این شیوه کار به فعالیت سازمانی ما در داخل تحولی جلی می بخشد. از جمله کارکرد آنرا در مبارزات معلمان دیدیم که با کمک مدیای اجتماعی گرایشات راست بدرجه ای کنار زده شدند و گفتمان های چپ و رادیکال

حزب بیشتر به درون این شبکه های اجتماعی مبارزه راه پیدا کند. اینجا رابطه شخصیت های سیاسی حزب، شخصیت های حزب در خارج کشور، کسانی مثل مینا احدی، شیوا محبوبی، مریم نمازی و ... نقششان برجسته میشود. و اینکه گفتمان های اینها، حرفهای اینها چطور میتواند در جذب مستقیم رهبران عملی در ایران تاثیر داشته باشد و ما به ازای تشکیلاتی و سازماندهی پیدا کند. بطور مثال به جنبش علیه اعدام اشاره میکنم. و نقش مینا احدی را فقط در قدرگیری این جنبش معین نمی بینید بلکه در جلب اعتماد رهبران کارگری و فعالین سیاسی در سطح جامعه هم می بینید. در عین حال شما به اتفاقات مهم در جنبش کارگری نگاه کنید. شرکت واحد یک نمونه آن بود. در آنجا ما در سطح رهبری مبارزات آنان هیچ عضو حزبی ای نداشتیم. اما مشخصا تماس های خود من با کارگران شرکت واحد و تماس های اولیه ای که برقرار کردم توانست راه ما را برای دخالتگری در مبارزه آنان باز کند. و دیدیم که چگونه تاثیر گرفتند و چگونه ارتباطات ما با آنها گسترش پیدا کرد و ما توانستیم گرایش رادیکال و چپ را در این مبارزات تقویت کنیم و جلو بیاوریم. نتیجه این دخالتگری جذب یکسری فعالین کارگری حتی در مراکز دیگر به حزب شد. یا ما با بردن گفتمان مجمع عمومی در میان کارگران نیشکر هفت تپه، توانستیم روی بیانیه ای ۶

معلمان نگاه کنید. ما هنوز شبکه حزبی قوی در آن نداریم. ولی از طریق ارتباط با عناصر موثری از این بخش معترض جامعه، توانستیم گفتمانی را راه بیندازیم که در این جنبش به طور واقعی خط ما و سیاست ما و حرف ما غالب شد. و این کار راه جذب افراد بیشتری از این جنبش و رهبران به حزب و شکل دادن به شبکه های حزبی را فراهم میکند. و یا بطور مثال در برخی از عرصه های مبارزاتی در جامعه با عناصر و چهره های موثری ارتباط داریم که خود بخود دست ما را وسیعتر به این مبارزات وصل کرده است. از جمله در جنبش کارگری در گفتمان های آن از جمله پیشروی در جنبش مجامع عمومی کارگری، نقش خانواده های کارگری در اعتراضات جاری و ... نقش مهمی داشته ایم. در جاهایی ممکن است فرضا یک یا دو نفر با ما مرتبط باشند، ولی آنها عناصری هستند موثر که از طریق آنها ما توانسته ایم به کل یک حرکت وصل شویم و یک حرکت اجتماعی مهمی شکل گیرد. در جاهایی ممکن است حتی افرادی که ما با آنها مرتبط هستیم هنوز حزبی نباشند ولی خود ما بعنوان شخصیت های حزبی مکان و اتوریته ای داریم که وقتی وارد آن مبارزه میشویم، گفتمان ما به میان آنها میروند و ما هژمونی سیاسی پیدا میکنیم. و این خود درپچه ای میشود برای اینکه همان کسانی که با خود ما به عنوان یک شخص مرتبط بوده اند، قدمی به حزب نزدیک تر میشوند و باعث میشود



سازماندهی حزبی،

شرایط جدید و ملزومات جدید

از صفحه ۱

نسبت به دو سال قبل نسل جدیدی از مدیای اجتماعی درآمده که شش ماه دیگر مثلاً فیس بوك كهنه میشود. قدیم پالتاك بود ولی الان متروكه شده و جای آنرا وایبر و تلگرام و چیزهای دیگری گرفته که ابزار مهمی برای سازماندهی است. در این زمینه ها فوق العاده عقب هستیم. یکی از دلایلی که علیرغم اینکه يك حزب بزرگ و شناخته شده داریم، ۱۱ سال است تلویزیون داریم، اهداف و برنامه روشنی داریم و با وجود تحركات مهمی که در جامعه وجود دارد، راندامان ما کم است و از میزان پیشرفتمان ناراضی هستیم این است که خودمان را با شرایط جدید انطباق نداده ایم. مدتی است داریم تلاش بیشتری میکنیم، در كنگره نهم قطعنامه اش را دادیم و داریم تلاش میکنیم خودمان را با شرایط جدید مبارزه طبقاتی بیشتر منطبق کنیم. مشکل ما اما حتی از اینهم بیشتر است. ما حتی ابزارهای اولیه برای این عرصه را درست نکرده ایم. يك جزوه راهنما درست نکرده ایم که هر کس به حزب پیوست ببیند این حزب چی هست، ساختارش چیست، چگونه کار میکند، یا جزوه ای که يك فعال ببیند و فوراً بفهمد چگونه کار میکنیم و عضو جدید چه باید بکند. يك جزوه ده صفحه ای نداریم که مبانی کار سازماندهی را به اکتیویست ها و فعالین حزب و یا اعضای تازه وارد توضیح بدهد. در نتیجه کار میکرو جای برجسته ای در کار ما پیدا کرده و کار ما کلاً ضعیف است. و اینرا باید بلافاصله حل کنیم. الان با تك تك کسانی که جذب حزب میشوند باید وارد رابطه شد که کار حجمی است واقعا و عملی هم نیست. یعنی باید علیرغم دشواری های مربوط به تماس با داخل با عضو جدید تماس گرفته شود و ذره ذره مسائل به او توضیح داده شود. تلویزیون ۲۴ ساعته داریم که برای فعالین و اعضای تازه برنامه هایش خیلی مفید است اما ما برنامه های ویژه ای مخصوص فعالین میخواهیم که موقعی که

ما بگویم يك حوزه داریم میرویم سراغ حوزه ببینیم در این عرصه چه میتوانست بکند. رفتیم سراغ اکتیویست های این عرصه ها که حزبی هم نبودند اما در جناح چپ مثلاً معلمان یا کارگران واحد بودند و از طریق آنها تلاش کردیم سیاست رادیکال تری را به میان آنها ببریم و از همین طریق است که عددی از آنها به حزب و سیاست هایش نزدیک میشوند. این وجه مهمی از فعالیت ما است و به درجه ای که جا افتاده توانستیم در گزارش به پیشروی مان در عرصه جنبش کارگری اشاره کنیم. پیشروی ما محصول این نگرش و سازماندهی بر اساس پراتیک اجتماعی بوده است. اما من اینجا میخواهم بیشتر درمورد وجه سازماندهی حزبی صحبت کنم.

خود سندی که به پلنوم ارائه شده نکات متعددی دارد، وظایف ویژه کمیته سازماندهی چیست، چگونه يك کمیته منسجم و حرفه ای در این زمینه شکل بدهیم، چه جزواتی نیاز داریم، چه برنامه های تلویزیونی در این زمینه نیاز داریم و نکات دیگر این سند که اینجا فرصت نیست وارد همه آنها بشویم. سند را حتماً رفقا خوانده اند و امیدوارم تصویر روشنتری گرفته باشند. اما اینجا میخواهم چند نکته را تاکید کنم.

اول اینکه مبانی بحث ما خیلی هایش از بحث آرثاتور تا برخی محورهای همین سند مباحثی قدیمی تر است و همچنان مبانی کار ما است. ولی با توجه به تحول سریعی که در تکنولوژی ارتباطی صورت گرفته، بعنوان مثال تلویزیونی که قبلاً نداشتیم یا مدیای اجتماعی که پنج سال وجود نداشت، و همینطور تحولات مهمی که در اوضاع ایران و جنبش ها و توازن قوا و غیره رخ داده است، در نتیجه در زمینه سیاست سازماندهی باید بسیار منعطف برخورد کنیم. و مدام بازبینی کنیم ببینیم چه امکانات و ابزار جدیدی ایجاد شده و فعالین سیاسی و اجتماعی چگونه با این ابزارها کار میکنند. امروز حتی

کادر حزب از خارج هم اگر عضو دو سه تا از این شبکه ها باشد میتواند نقش موثری داشته باشد و رفقای شناخته شده ما بویژه نقش خیلی مهمی میتوانند ایفا کنند. در این زمینه هنوز نزدیک به صفر هستیم و به شدت از تحولات جامعه و ابزارهای مدرن عقب افتاده ایم. این ابزار فقط برای تبلیغ نیست. با یکی از رفقا امروز صحبت میکردم میگفت حزب الان يك جور دیگر است حزب فقط حوزه ها و جمع های حزبی در يك کارخانه نیست. فیس بوك هم بخشی از حزب است. صداها نفر از دوستانمان که خیلی از آنها را هم نمیشناسیم مرتب دارند مطالب را در فیس بوك پخش میکنند و تبلیغ میکنند انگار اطلاعیه ای را کسی در محلی چاپ و پخش میکند. بنابراین این يك ابزار برای آشنا کردن و جذب به حزب و سازماندهی هم است. به حوصله زیادی هم نیاز دارد. در این زمینه باید شتاب برداریم و کلی امکانات هست که بتوانیم استفاده کنیم. اینطور نیست که فقط روابط حضوری مهم است در مدیای اجتماعی هم با آدم ها رابطه میگیری و بعد این به يك رابطه حضوری و راه اندازی يك فعالیت اجتماعی و حزبی هم تبدیل میشود. حالا سوال این است که خود این سازماندهی ها را چگونه ایجاد کنیم. فقط با این سند و يك جلسه یکی دو

سلیقه خودش کار میکند. یکی میگوید الان کار مستقیمی حزبی مهم نیست برو کار اجتماعی بکن و در جامعه جا بیفت. برو نهادهای درست کن. و یکی برعکس روی روابط حزبی تاکید یکجانبه میکند. البته الان این دومی در کار رفقای ما بسیار کم رنگ شده است. ما به درست در سالهای گذشته به طرف کارهای اجتماعی و جذب اکتیویست ها روی آوردیم و پیشرفت هایی داشتیم ولی روی سازماندهی حزبی تاکیدمان کم بوده و از این نظر هم این سند نکات تازه ای دارد. میگوید اولین وظیفه این است که حزب را و تلویزیون و مدیا و نشریات و برنامه اش را معرفی کنی، دومین وظیفه این است که خودت را تکثیر کنی. یعنی اگر عضوی بعد از شش ماه تبدیل به يك جمع سه نفره نشد حتماً رابطه را با او نگهداریم اما با کسی که بعد از سه ماه از فرد به يك جمع حزبی تبدیل میشود باید انرژی بیشتر صرف کرد و بیشتر روی این تیپ افراد کار کرد. و این کار را باید سیستماتیک انجام بدهیم. در کمیته سازماندهی الان هر کس سبک خودش را دارد. بنابراین شکل دادن و درست کردن کمیته سازماندهی هم يك اولویت این دوره ما است. لافاقل ده نفر سازماندهی روی خط نیاز داریم تا با رفقای داخل صحبت کنند. در غیاب این روشن است که راندمان کارمان پائین باشد. يك نکته دیگر مدیای اجتماعی و شبکه های اجتماعی است و هر

علاقتمندان جدید تماس میگیرند بگویم ساعت مثلاً ۷ تا ۸ این برنامه را نگاه کن. کاری سطح بالا و جذاب و مفید که مطمئن باشیم بعد از يك ماه چند هزار نفری که باید کار ویژه ای با آنها صورت گیرد، بگویند اهداف و برنامه حزب را فهمیدیم، سیاست هایش را فهمیدیم و الان میدانیم چطور کار تشکیلاتی بکنیم. فرق حزب با جنبش ها و گرایشات دیگر را فهمیدیم. الان اینرا نداریم. و موقعی که این ابزارهای سراسری را نداریم همه بار می افتد روی دوش چند نفر که از طریق تلفن و غیره جسته گریخته و با صرف وقت زیاد نکاتی را به رفقای داخل بگویند. طبعاً کار سوزنی یا کار مستقیم با تك تك افراد اهمیت خود را دارد و در صورتی که این ابزارهای سراسری هم خوب کار کند با اینهمه به این نوع کار نیاز مبرم داریم اما در آن صورت با صرف وقت کمتری میتوان گیر و گرفت رفقای داخل را حل کرد و آنها را در عرصه ای که فعالیت میکنند هدایت کرد. در نتیجه این مساله حیاتی است و يك وجه مهم فعالیت ما را تشکیل میدهد. که فوراً باید تا يك ماه دیگر جزوه راهنمای ورود به حزب و جزوه ای که مبانی کار تشکیلاتی را توضیح بدهد و برنامه ویژه تلویزیونی برای فعالین و سرگل های جامعه را آماده کنیم.

نکته دیگر شکل دادن به خود کمیته سازماندهی است. ما بطور واقعی الان کمیته سازماندهی نداریم. هر رفیقی به



شوروی (سرمایه داری دولتی) توسط بلوک رقیب-سرمایه داری بازار آزاد- که پیروز این رقابت بوده، تحت حمله شدید قرار گرفته و پایانش اعلام شده چه استراتژی برای برون رفت از این وضعیت باید داشته باشد و این اولین سؤال در مقابل کمونیستها بوده که باید آنرا مطرح و به آن جواب دهند.

۲. حزب نوین کمونیستی چه مختصات و سبک کاری باید داشته باشد؟

اینکه در قرن ۲۱ با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و رودرویی اکثریت جامعه که هر روز بر تعدادش نیز بیشتر شده و توان اقتصادی ضعیفتر میشود و هیچ نفعی هم در تولیداتی که خلق میکند ندارد و دخالت و توان و اجازه تصمیم گیری در پروسه سیاسی و اقتصادی ندارد با اقلیتی که صاحب همه ثروتها، امکانات و قدرت است. در این تقابل و مبارزه طبقاتی شبانه روز، که در عرصه های مختلف و به اشکال پیچیده و متنوعی در جریان است، چه حزبی میتواند نماینده چپ جامعه و کمونیزم باشد. چنین حزبی چه طول و عرض و مختصات و سبک کاری باید داشته باشد؟

۳. برنامه لازم است؟

اینکه برای مقابله با شرایط و استارت در دوره جدید که در بالا به آن اشاره کردیم احتیاج به داشتن برنامه ای که مشخصا مواضع حزب کمونیستی و جنبشش را بتواند بیان کند و رو به جامعه تصویر روشنی از حزب ارائه دهد لازم بوده که باید تهیه و تدوین میشد.

۴. رابطه حزب نوین

کمونیستی با جنبش های موجود در جامعه چه باید باشد؟
اینکه رابطه حزب با جنبش های موجود در جامعه که حول مطالبات و خواسته های مختلفی در حال

مبارزه و فعالیت هستند چه باید باشد و اینکه عرصه های مبارزاتی این فعالیتها را جزئی از مبارزه طبقاتی تعریف کند و کمونیسم را دخیل در این مبارزات بداند و یا خیر و اینکه دغدغه ارتباط اجتماعی و

سیاست سازماندهی حزبی، ابزار و سبک کار!

از صفحه ۱

ابزارهای تاثیر اجتماعی در دوره معاصر

با نگاهی به دو قرن گذشته میبینیم که در هر دوره يك ابزار، نقش تعیین کننده ای در روابط اجتماعی و انتقال اطلاعات و خبر و نیز ابزار هماهنگی و متشکل شدن و سازماندهی و سازمانیابی داشته است. در دوره ای ما میبینیم که این نقش را روزنامه و کتاب و اساسا انتشارات و تولیدات کتبی به عهده داشته است. با پیشرفت تکنولوژی این نقش به شکل صوتی و اساسا از طریق رادیو ها انجام میگرفته است. بدنبال آن با اختراع تلویزیون و جا باز کردن این وسیله در زندگی میلیونها انسان در جوامع مختلف، مهمترین ابزار انتقال اطلاعات و شکل و جهت دادن به افکار عمومی را تلویزیون ایفا کرده است. در ادامه شاهد بوجود آمدن تلویزیونهای ماهواره ای و امکان استفاده افراد از آن چه بصورت مصرف کننده در خانه ها و چه بصورت تولید کننده برای ارتباط گیری با جامعه بوده ایم.

در اوایل قرن ۲۱ ما شاهد رشد سریع تکنولوژی و فناوری هستیم که در این دوره اینترنت تازه متولد شده، حالت همه گیر پیدا میکند و اساس و بستر اصلی روابط اداری و ارتباطی جوامع بشری میشود. قیمت ابزارهای استفاده از اینترنت هم مرتبا ارزانتر میشود و جمعیت بیشتری توان استفاده از آن را برخوردار میشوند و نقش اینترنت آنقدر تعیین کننده میگردد که علیرغم توان اقتصادی ضعیف بخشهای پایین جامعه اما یکی از نیازهای ضروری زندگی، تهیه و امکان استفاده از اینترنت میشود. اینترنت و ابزار استفاده از آن یعنی کامپیوتر، لبتاپ و موبایل یکی از ضروری ترین نیازهای جوامع بشری میگردد و در حال حاضر بدون این امکان، زندگی برای افراد بسیار مشکل است بصورتی که حتی فرد نمیتواند کارهای اداری و تحصیلی و شغلی خود را پیش ببرد.

۱. استراتژی کمونیسم در بحران، چیست؟

اینکه جنبش کمونیستی که با دستاویز قرار گرفتن از فروپاشی

فعالین باید منطبق با دوره حاضر سیاست سازماندهی روشن و واقعی و متناسب با دوره حاضر برای خود تعریف کنند. در این میان با وجود اینترنت و تا حد زیادی هم تلویزیونهای ماهواره ای شاهد بیرون آمدن انحصار رسانه ها و انتقال اطلاعات از دست دولتها و اقلیت جامعه هستیم. امکانی که این ابزارها دارند هم به مردم اجازه ابراز وجود میدهد به اینکه بتوانند مستقیما نظراتشان را بیان کنند و مستقیما وقایع را به اطلاع بقیه در سایر نقاط برسانند، پدیده ای که بعنوان "شهروند خبرنگار" شناخته میشود. یعنی فردی با يك تلفن هوشمند میتواند تبدیل به يك خبرنگار شود. اما ویژگی دوم که تعیین کننده تر است برمیگردد به توان سازماندهی این ابزار برای پیشبرد حرکتها و اعتراضی و جمعی. در واقع انقلابات بین سالهای ۱۳۹۲-۱۳۸۸ (-۲۰۱۳) از ایران، تونس و مصر گرفته تا جنبش های اعتراضی مثل ۹۹ درصدی ها و نمونه های ترکیه و اوکراین و برزیل تا آسیای جنوب شرقی به ما نشان میدهد که مهمترین ابزار سازماندهی در دوره حاضر اینترنت و شبکه های اجتماعی هستند. سرعت و گستردگی، دو خصلت برجسته این پدیده است که میتواند توان

برقرار کردن و دخالتگری و سازماندهی و رهبری در این جنبش ها را دغدغه خود بداند بحث جدی بوده که در این دوره مطرح شده و باید به آن جواب داده میشد و برخلاف کمونیسم غیرکارگری و چپ سنتی، این فعالیتها و مبارزات را خارج از مبارزه طبقاتی و مبارزه کارگران و چپ جامعه برای سرنگونی سرمایه داری نداند، این مسئله یکی از گره ها و تفاوتهای کمونیسم این دوره با جریانات غیرکارگری بوده است.

۵. برنامه ریزی برای بیرون آوردن کمونیسم از حاشیه چیست؟

اینکه چه برنامه ریزی و سبک کاری باید برای احزاب کمونیستی وجود داشته باشد تا کمونیسم را که به حاشیه رانده اند و پایانش اعلام شده را مجددا به بطن اصلی جامعه و قسمت گود استخر برگرداند و بار دیگر بعنوان آلترناتیو سیاسی و دولت آنرا مطرح کرد که از طرف جامعه به رسمیت شناخته شود و پذیرفته و انتخاب شود.

ابزارهای فعلی سازماندهی حزبی و اجتماعی

با توجه به محورهایی که در بالا مطرح شد، ما با روندی روبرو بوده ایم که برای تغییر وضعیت موجود، ارتباط و سازماندهی دو فاکتور تعیین کننده بوده اند و احزاب و

سازماندهی حزبی بر بستر یک پراتیک اجتماعی

از صفحه ۵

و سیعاً جای خود را باز کرد. یعنی اینکه وقتی چند فرد موثر و کلیدی به کمک مدیای اجتماعی اطلاع رسانی میکنند، گفتمان های ما، گفتمان های چپ و رادیکال را به میان معلمان میبرند، فراخوان به اجتماعات میدهند و در نتیجه آن اجتماعات مختلف و وسیع در جاهای مختلف شکل میگیرد، باعث میشود که بخش سازشکار کانون صنفی معلمان را در واقع آچمز کند و آنها را وادار کند که به فراخوانهای های سراسری تن بدهند. و علیرغم اینکه آنها موقعیت کلیدی در راس این کانون داشته اند، کم کم به حاشیه میروند و در موقعیتی قرار نمی گیرند که تعیین تکلیف کنند. و این خود زمینه را باز میکند برای اینکه این کانون به تصرف معلمان رادیکال و معترض در بیاید، شعبات آن در شهرهای مختلف شکل بگیرد و معلمان معترض به جلوی صحنه بیایند. این کاری است که ما در شرکت واحد نیز انجام دادیم. در آنجا ما با دخالت فعال و گفتمانهایمان توانستیم گرایش چپ را تقویت کنیم. تا جایی که راست از سیاست اینکه چراغها را روشن کنیم به سیاست اعتصاب کشیده شد و نتیجه اش به اعتصابات سال ۸۵ منجر شد. یا فرض کنید کانون بازنشستگان، طیفی از گرایشات راست و دوم خردادی های حافظ رژیم در آن هستند و ما با برقراری ارتباط و گفتمان به راه انداختن مسیر جلو آمدن گرایش چپ را فراهم میکنیم و تلاش میکنیم این عرصه از مبارزه را به تصرف خود در آوریم و موفقیت هایی هم داشته ایم. مثال زیاد است. نتیجه این مباحث اکنون به پلاتفرم عملی برای کار سازماندهی حزب در داخل تبدیل شده است. که در آن کار

سیاست سازماندهی حزبی، ابزار و سبک کار!

از صفحه ۷

رویتین اعضای حزب نیز جای درست و واقعی خود را پیدا کرده است و به روشنی بر روی آن از جمله جذب اعضای جدید به حزب و اهمیت حفظ ارتباط با حزب و آشنا کردن اعضای جدید به حزب و هم افق کردن آنها به روشنی صحبت شده است. در هر حال من صحبت را تمام میکنم و بحث بیشتر را به قسمت سوال جواب ها موکول میکنم. اما نکته آخر در مورد چگونگی رسیدن به پلاتفرم جدید کمیته سازماندهی است. و همانطور که حمید تقوایی توضیح داد، بدنبال مباحثی که در کمیته سازماندهی داشته ایم، بدنبال سوالاتی که در رابطه با کمبود ها و نارسایی های کار سازمانی حزب در داخل بر روی میز ما گذاشته شده است، من طرحی اولیه تهیه کردم. این کار به امر به سرانجام رساندن بحث هایی که مدتهاست مشغله رهبری حزب است، شتاب داد. در نتیجه بحث از طرح اولیه ای که من نوشته بودم فراتر رفت و در جلساتی که من و اصغر کریمی و حمید تقوایی داشتیم بحث ها به نتیجه گیری های خوبی رسید و حمید تقوایی مثل همیشه توانست از دل این مباحث تزهایی را بیرون بیاورد که جدید هستند. تزهایی که ادامه منطقی مباحث حزب و جامعه و تنوری سازماندهی کمونیسم کارگری در داخل است. و پلاتفرم عملی کمیته سازماندهی نیز بر این تزها و مبانی استوار است. به این اعتبار این مباحث و پلاتفرم عملی آن میتواند تحول بخش باشد، اگر روح آن در کار سازماندهی ما قالب باشد. و آنها را پیاده کنیم و من بسیار امیدوارم.*

ما باید در شبکه های اجتماعی نه تنها حضور موثری داشته باشیم بلکه باید بتوانیم مکانیزمهایی را بسازیم تا از طریق آن رابطه اجتماعی ما با خیل عظیم جوانان، زنان، دانشجویان، کارگران، معلمان و پرستاران و توده عظیم مردم که در این شبکه ها حضور دارند را برقرار کنیم. با تبلیغات درست و مناسب و

با ادبیات و زبان اجتماعی و متقابل، خودمان را بیش از پیش به مردم بشناسانیم و و بموازات با تامین حضور سیاسی خود در آن سعی در ارتباط گیری با مردم نماییم. بنوعی باید بگویم ریل و فضای سیاسی جامعه اگر قبلاً در روزنامه و نشریه و وسایت و وبلاگ و پالتاک تعریف میشد در حال حاضر مهاجرت عظیمی از آنها به سمت شبکه های اجتماعی صورت گرفته است. در حال حاضر شبکه های اجتماعی بنوعی "ذهن سیاسی اجتماعی" میلیونها نفر هستند که مکمل مبارزه آنها در سطح جوامع اند. سازمانیابی، هماهنگی و برنامه ریزی بصورت وسیع را شبکه های اجتماعی به عهده دارند. ما بعنوان حزب سیاسی کمونیست باید در سبک کارمان این تغییر ریل را بیشتر از قبل بدهیم تا بتوانیم بصورت وسیع با مردم تماس برقرار کنیم و جذب نیروی وسیعی که مورد انتظار هست کلید بخورد.

برقراری تماس و ارتباط از طرف جامعه

ما با وجود ابزارهای فوق که توان سازماندهی بالایی دارد هنوز حزب سیاسی، انقلابی و کمونیستی را باید بیش از قبل تقویت کنیم که متشکل از جمعی از کادرها و اکتیویست های کمونیستی است که امرشان سرنگونی سرمایه داری و ایجاد جامعه ای سوسیالیستی را هدف خود تعریف میکنند. ما باید در دل مبارزات متنوعی که در مقابلمان هست از مبارزه برای برابری زن و مرد تا علیه اعدام تا آزادی زندانیان سیاسی تا مبارزه برای حق کودک تا فعالیت در دفاع از محیط زیست و.... باید بدانیم که ساختن فعالینی که بخوبی آگاه هستند که برای رفع هرگونه تبعیض و نابرابری و مقابله با

انواع و اقسام پدیده های ضدانسانی، همه این مبارزات که در هر عرصه ای انجام میگیرد را بر بستر مبارزه طبقاتی باید تعریف کرد و بقول معروف باید کل نقشه را مورد توجه داشت. برای اعضا و تماسهایی که با ما برقرار میشود باید علاوه بر تشویق و ادامه کاری به فعالیت عرصه ای که هر تماس گیرنده - مثلاً در حیطه دفاع از محیط زیست و یا حق زن- دارد، باید او را به کمونیزم کارگری و نقد ما به سیستم موجود که منشا همه این وضعیت است را مسلط کنیم. هر فردی که به ما نزدیک میشود و میخواهد عضو ما شود را با آموزش سیاسی و با برنامه ای درست، منعطف و با خونسردی و درایت به سمت ساختن کادری کمونیست که سرمایه حزب و جنبش کمونیزم کارگری شود باید پیش ببریم. بنابراین ما در سه سطح باید اقداماتمان را پیش ببریم که تیتروار به آن اشاره میکنم:

۱. ادامه فعالیت روتین در عرصه های مختلف و تامین حضور سیاسی خودمان که جامعه مرتباً حضور ما را حس کند.

۲. پرزنت خودمان از نظر سیاسی و تشکیلاتی به اعضای جدید.

۳. سازماندهی تشکیلاتی و تقویت حزب:

الف. آموزش سیاسی.

ب. تقسیم کار و دادن مسئولیت روتین به همه اعضا.

من در اینجا بحث را به پایان میبرم و بالطبع اینها مبانی هستند و هرکدام را میشود باز کرد و مشروح توضیح داد. امیدوارم بشود در فرصتی دیگر اینکار را در وقتی کافی انجام دهیم.*

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاتریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.
برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shom

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

سازماندهی حزبی، شرایط جدید و ملزومات جدید

از صفحه ۶

که در آن جمع ها و شبکه ها کادرهای روشن و مسلطی که فرق ما را با جنبش های دیگر میدانند و با هم و خم کار تشکیلاتی آشنا هستند و بویژه کار به سبکی اجتماعی را بلد هستند و فعال عرصه های اجتماعی و مبارزات جاری هستند، حضور داشته باشند. آنوقت میتوانیم امیدوار باشیم که در میان معلمان، کارگران مراکز مختلف، دانشگاه ها رفقای هستند که دارند شبکه های حزب را توسعه میدهند و داریم رشد میکنیم. امروز رفقای در ایران داریم که در کالیبر رهبری حزب کار میکنند و سرمایه بسیار بزرگی برای حزب هستند و نقش بسیار مهمی در جنبش های اجتماعی دارند که متأسفانه اینجا نمیتوان مشخص تر درمورد آنها صحبت کرد. باید تلاش کنیم تعداد بیشتری از این نوع رفقا یعنی کادرهای استخوان خرد کرده را در داخل داشته باشیم که هم در جنبش های اعتراضی نقش مهمی دارند و هم شبکه های حزبی محکمی میسازند. در این صورت است که سازمان ما در داخل تحولی کیفی پیدا میکند.

بعضی از اینها دیگر شکل دادن به نهادهای علنی و نیمه علنی در داخل است. باید افقی مقابل ما باشد. نمیتوان همیشه به شیوه مخفی کار کرد. انواع نهادها، نشریات و کمپین ها و صفحات فیس بوکی و غیره شکل گرفته است و ما بعنوان حزب هم باید ببینیم چه نهادهای ویژه ای لازم داریم و برویم آنها را درست کنیم. بعضی هم درست کرده ایم و موفقیت هایی هم داشته ایم اما باید بطور متمرکز در این عرصه کار کنیم و تعداد قابل توجهی نهاد و صفحات ویژه و نشریات و غیره درست کنیم. برای این کار هم مرتباً به ایده های تازه و هم به یک نقشه احتیاج داریم.

یک نکته دیگر اینکه هر فردی به ما جذب میشود باید همان روز اول معلوم باشد که سازمانش کجا است و چه باید بکند. مثلاً یک ماه دوره آشنا کردن او با حزب و فعالیت حزبی برایش گذاشته شود، او را بهتر بشناسیم، توانایی و علاقهش را بشناسیم و بعد بلافاصله کارش را مشخص کنیم. و بعد تلاش کنیم توانایی او را بیشتر کنیم و او را تا سطح کادر ارتقا بدهیم. اگر نتوانیم کادر تربیت کنیم این سازماندهی ها سیال خواهد بود. روابط و جمع هایی برای ما ماندگار خواهد شد و به استخوانبندی حزب تبدیل میشود.

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفاً قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany, Rosa Mai, Konto.
583657502 Nr.:

Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC

Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab:
FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud
Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس

و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوآلی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

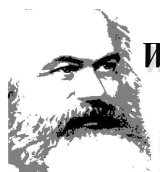
از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح

۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷ بهرامی:

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبدال گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiiran.org

قرار در مورد سیاست سازماندهی

مصوب پلنوم ۴۳ کمیته مرکزی حزب (باتفاق آرا)

پلنوم سند مبانی سازماندهی حزبی مصوب هیات اجرائی را مود تأیید قرار میدهد.

توضیح: سند مبانی سازماندهی حزبی قبل از پلنوم بوسیله هیات اجرائی حزب تدوین و تصویب شده بود. این سند در سمیناری که در مورد سیاست سازماندهی در جوار پلنوم برگزار شد، توضیح داده شد و از جوانب مختلف مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. هیات اجرائی نقشه عمل و طرح اقدامات عملی رهبری حزب در پیشبرد این سند را نیز به پلنوم ارائه کرده بود. قرار فوق بعد از برگزاری سمینار مورد تصویب پلنوم قرار گرفت.

مبانی سازماندهی حزبی

مصوب هیات اجرائی

۱- سازمان حزبی بر متن دخالتهای و شرکت فعال حزب در پراتیک اجتماعی و حرکتیهای اعتراضی موجود (که نهادها و چهره ها و تعیین خود را دارند) و همچنین حرکتیهای مبارزاتی با ابتکار حزب - حرکتیهای که زمینه های آن در جامعه وجود دارد- شکل میگیرد.

۲- اساس سیاست سازماندهی حزبی سازمان دادن اکتیویستها بر متن پراتیک اجتماعی است. این اکتیویستها در جنبش کارگری و جنبشهای دیگر فی الحال در مراکز کار و زیست و یا در نهادها (کمیته ها و کانونها و ان جی او ها و انجمنها و غیره) و در شبکه های نسبتاً گسترده (فرا تر از محیط کار و زیست) فعالند و بعضاً چهره های نسبتاً سرشناسی هستند. بعبارت دیگر جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی در ایران زیر زمینی و بی شکل نیستند بلکه متعین هستند. این امر در سازماندهی حزبی فاکتور مهمی است.

۳- بر مبنای پراتیک اجتماعی فوق فعالینی گرد حزب جمع میشوند که باید به سطح عضو و کادر حزب ارتقا داده شوند. پراتیک مبارزاتی در هر عرصه عمدتاً فعالین همان عرصه را تولید میکند. باید این فعالین و یا آماده ترین و مستعد ترینشان را به فعالین حزبی (جنبش کمونیسم کارگری) ارتقا داد. این مهمترین حلقه کار در سازماندهی حزبی است. انجام این وظیفه امری سیاسی و حزبی است. اکتیویستهای

عرصه ای باید در روند مبارزه و تجربه خود و به کمک آگاهگری و آموزش حزبی، به نقد عمیق تر و همه جانبه تری از نظام موجود برسند و کارزار و نبرد مشخص خود را بعنوان جزئی از یک جنگ همه جانبه با نظام موجود ببینند. اساس وظیفه حزب اینست که این فعالین اجتماعی را به این درک و نقد عمیق و ریشه ای برساند.

۴- شالوده و بدنه سازمان حزب شبکه های حزبی هستند که در دل شبکه های فعالین عرصه های مختلف مبارزاتی و بر متن روابط اجتماعی و طبیعی این فعالین با یکدیگر شکل گرفته اند. سیاست حزب کماکان معرفی نکردن و متصل نکردن اعضا و کادرها به یکدیگر است. میتوان گفت اساس کار ما سازماندهی شبکه حزبی نه از طریق وصل کردن فعالین به یکدیگر، بلکه از دل شبکه اجتماعی است. شبکه حزبی یعنی سازمان فعالین کمونیست که با خط و استراتژی حزب و برای پیشبرد آن در پراتیک مبارزاتی معینی فعالاند. هدف و امر آنها هدف و امر حزب است (خلق یک سیاست اقتصادی از بورژوازی و بقدرت رسیدن حزب) و به این خاطر در یک عرصه معین فعالیت میکنند.

۵- حزبی شدن فعالین به معنی جدا شدن آنها از عرصه فعالیتشان نیست بلکه به معنی نمایندگی کردن و پیشبرد خط و سیاستهای حزب در همان عرصه است. میتوان گفت ارتقای یک اکتیویست متمایل به

چپ و سیاستهای حزبی به یک کادر کمونیست در این است که اولی خود را فعال حرکت و جنبش معینی می بیند که از سر اهداف و مصالح آن جنبش به حزب نزدیک شده است و دومی برعکس خود را فعال کمونیستی می بیند که برای پیشبرد اهداف و سیاستهای کمونیستی در جنبش معینی دخیل شده است. ارتقا از حالت اول به دوم برای حزب و جنبش کمونیسم کارگری مطلقاً حیاتی است. بدون این تحول از اکتیویست به کادر کمونیست، این امکان وجود دارد که فعالین بدلیل درک محدود از حزب و برنامه و اهداف و سیاست های آن سرعت از حزب فاصله بگیرند.

۶- شالوده سازمانی حزب شبکه های متشکل از فعالین اجتماعی است اما همه جذب شدگان به حزب فعال اجتماعی نیستند. از طریق تلویریون و غیره افراد و جمعیهائی که در عرصه معینی فعال نیستند نیز به حزب جذب میشوند. این افراد و جمعیها نیز نهایتاً یا حول فعالیت شبکه های حزبی فعال میشوند و یا خود پراتیک اجتماعی معینی را در دستور میگذارند.

۷- یکی از ابزارهای اصلی سازماندهی و اعتراض توده ای و حزبی مدیای اجتماعی است. در انقلابات منطقه، در جنبش اشغال و در یونان نقش مهم و موثر مدیای اجتماعی بر همه آشکار شده است. این صرفاً یک پیشرفت تکنیکی نیست بلکه مکانیسم های مبارزه طبقاتی بخاطر مدیای اجتماعی

کاملاً دگرگون شده است (از پدیده اسنودن و آسانژ تا جنبش تمر در مصر و تا عضوگیری های هزار هزار سیریزا و پودموس). بدون استفاده از و اتکا به مدیای اجتماعی هر اندازه هم که به اشکال سنتی حزب درست کرده باشیم، در حد گروه فشار باقی خواهیم ماند.

۸- کادرها ستون فقرات حزب هستند و در پیشبرد سیاستها، سازماندهی و تقویت حزب در داخل نقش تعیین کننده ای ایفا میکنند. کادرسازی در تشکیلات داخل یک رکن فعالیت و اولویت همیشگی حزب است و باید برنامه و نقشه عمل همه جانبه ای برای آموزش و ارتقای اعضا به کادر حزب تدوین شده و پیگیرانه دنبال شود.

۹- چهره ها و شخصیتها نه تنها در خارج کشور بلکه در مبارزه در داخل ایران نیز نقش مهمی دارند. منتها شخصیت هائی که نه با هویت حزبی بلکه بعنوان چهره یک حرکت اعتراضی معین (علیه حجاب، علیه آلودگی محیط زیست، جنبش افزایش دستمزدها، جنبش خلاصی فرهنگی و اعتراضات معلمان، پرستاران، بازنشستگان، نویسندگان و هنرمندان پیشرو و غیره) در جامعه شناخته و محبوب میشوند. سازمان حزب هر چه بیشتر از این نوع شخصیتها داشته باشد موقعیت قدرتمندتری در سیر تحولات کنونی و انقلاب آتی خواهد داشت.

۱۰- کار روتین. یک وجه کار سازمان حزبی در داخل پیشبرد وظایف روتین است (ترویج و پخش و آموزش ادبیات حزبی، رابطه منظم با رهبری در خارج، جمع آوری کمک

مالی، عضوگیری، و معرفی کانال جدید و سایتها و مدیای حزبی و غیره). این نوع فعالیتها کلاسیک نیز باید اساساً با ابزار مدیای اجتماعی به پیش برده بشود.

۱۱- امور مبارزاتی و تاکتیکی داخل کشور باید از طریق کادرها و اتوریته های شبکه های حزبی در داخل به پیش برده بشود. رهبری حزب (کمیته سازمانده و غیره) در یک مقیاس ماکرو سیاستگذاری میکند و به کار داخل کشور جهت میدهد. نقشه عمل و اقدامات عملی مشخص باید به خود تشکیلات داخل سپرده بشود.

۱۲- سازماندهی جدید با موانع متعددی روبروست که مهمترین آن سنتهای سبک کاری و سازمانی گذشته است. این مساله به شکل تفاوت نسلی هم خود را نشان میدهد. برای کادرهای قدیمی به کارگرفتن مدیای اجتماعی و سازماندهی بر این مبنا دشوار است، اما نسل جوان برعکس تنها با اشکال امروز مبارزه آشناست و به اشکال سنتی سازماندهی تن نمیدهد. جوانان در حزب و در جامعه نقش تعیین کننده ای در سازماندهی حزبی به شیوه امروزی ایفا میکنند. در درون حزب باید با جا باز کردن و میدان دادن به کادرهای جوان، با نقد دیدگاههای سنتی و آموزش مداوم و عمل کردن به سیاستها و سبک کار سازماندهی جدید این مانع را برطرف کرد.*

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود